

## حمله نا بخردانه مسئول سایت "بابا"

### به "پیام آزادی"

### بالخصوص به اینجانب !

#### یک تذکر کوتاه :

خوانندگان گرامی ! من با استناد به سند که سایت "بابا" فقط یک "مسئول" همه کاره دارد و آنهم فردی معلوم الحال و کثیرالابعادی است که بنا بر اقتضای زمان در نقش های گوناگون با ماسک و مکیاز متفاوت ظاهر میشود ، کلیه اشکالی که بخود میگیرد ماهیتاً اپورتونیستی است . بنابر همین خصلت اپورتونیستی که ابعاد شخصیت اش بر مبنای آن حضور اجتماعی " سیاسی" یافته مقولات مترقی را وسیله قرارداد و از " سنگر" این سایت که آنهم به ابتکار و مدد یک شخص انقلابی و دارای هویت تثبیت شده در جنبش کمونیستی ( م ل م ) کشور بر روی اینترنت پا گرفته برجانبش انقلابی و انقلابیون واقعی حمله میکند ؛ ازینرو دراین نوشته ام مخاطب همین شخص و

#### مرشدش است.

مسئول سایت "بابا" باردیگر عقده گشائی کرده و به بهانه " جواب نامه ای" داستان تخیلی اش را آغاز کرده است. معلوم نیست آن شخص کیست که بنابر گفته مسئول "بابا" او ما را "کودن" خطاب کرده است. مسئول سایت "بابا" باصطلاح بجواب نامه شخص مذکور پرداخته اما متن نامه اشرا در معرض دید خوانندگان قرار نداده است و این حرکت وی بر شک ما می افزاید که وی ببهانه جواب به آن "نامه" موهوم خواسته دل پردرد خود و پیشوای مکتبی اش را ازسبب دیدگاه ایدئولوژیک سیاسی به نقد کشیده شده اش بالای ما خالی نماید و سبب سرور و شادمانی ایشان گردیده و باین صورت تسلی یابد. زیرا این مدعیان دروغین انقلاب، زمانی ماهیت انحرافی خط فکری و سیاسی شان برملا گردید و نقاب ازچهره آنها برداشته شد، به تنگنای بن بست گرفتارآمدند هیجانی شدند ومنتقدین خودرا به سویه کوچه و بازار مورد حمله و فحاشی قرار دادند و هم اکنون می دهند.

این بار هم در نوشته مسئول سایت بابا چیز جدیدی دیده نمیشود و همان تکرار اراجیف سابق به شکل وشمایل دیگری است. اما از شیوه و لحن نوشته اش پیداست که وی از چیزی سخت ناراحت میباشد

و چون جرئت نمی کند آنرا بگونه علنی بیان کند، با زبان گنگ شکایت میکند و بی مهابا میجوشد و میخروشد و چیزهای را از مغزش انتقال داده به دهنش می ریزد و آنگاه آنها را بیرون کرده و روی کاغذ ترسیم می نماید و به افرادی می تازد که مایه سرافگندگی اش در آینده نه چندان دور می گردند . لیکن لحظاتی که تشنجات عصبی و روانی اش فرو می نشیند و آرامش نسبی به سراغش می آید، اکت و ادای خویشتن داری " در می آورد " و بارده بندی چند تا جمله حسن نیت به اصطلاح " انقلابی " بودن اش را مطرح میسازد و گویا دشمن مشترک را مشخص می نماید . اما لحظاتی بعد گفتارهای حکیمانه و فیلسوف مآبانه اش را به باد فراموشی میسپارد و حرفهای قبلی اش را یکسره نفی کرده و با حدت هرچه تمامتر بر ما می تازد . فکر می کند تبارش به خاندان نادر- داوود ، هفت هزار دریای سرب مذاب در میان ، می رسد و حقی دارد بر هرکی که دل پردرد و پر عقده و پر کینه اش خواست بنازد و کسی جلوش ایستاده هم نشود . درست مانند پسران ( شیر آغا ... معروف) که بگفته باشندگان کابل تا کودتای منحوس 7 ثور " در کارته پروان پادشاهی می چلانند " .

آقای مسئول سایت بابا! درد و ناراحتی تو و پیشوایت " سمندر " بسیار عمیق است. فکر نمی کنم شما با همین سطح حمله و فحاشی هم برسایت " پیام آزادی " و برمن تسکین شوید، علاج واقعی شما بسیار مشکل است. همانطور که عقده و خصومت طبقات ارتجاعی علیه جنبش انقلابی مردمی و توده های خلق پایانی ندارد، عقده و خصومت افراد و گروه های اپورتونیست و رویزیونیست و ضد انقلاب مانند شما هم علیه گروه ها و افراد واقعا انقلابی از بین نمی رود. تا طبقات ارتجاعی و امپریالیسم و اپورتونیستها و رویزیونیستهای کاسه لیس آنها توسط یک انقلاب توده ای بگور نشوند این تضاد و دشمنی از بین نمی رود. از همین جاست که انتظار حرکات و اعمال خیلی شنیع ترو و قیح تری علیه سایت "پیام آزادی" و نویسندگان آن از طرف شما وجود دارد. این مهم نیست ، شما پارس دهید ! قافله انقلاب براه اش ادامه می دهد.

ملاحظه می شود که آقای مسئول سایت بابا بار دیگر دچار همان حالت ناهنجار قبلی شده و با کمال سفاهت و وقاحت مهر "ارازل و اوباش" را بر پیشانی سپید ما میکوبد و از آن پا فرا ترکذاشته ما را "مجهول الهویت و مشکوک " نیز می خواند! او واضح نمی سازد که کدام هویت ما مجهول است( هویت ملی و یا هویت سیاسی ما )؛ تاجای که به من مربوط است به لحاظ هویت ملی تاریخ طولانی بیشتر از هفت هزار ساله دارم و از مردمان بومی این خطه ای کهن و از نسل نیکنامان و حماسه سازان این سرزمین هستم . تاریخ این بلاد کهن در هر ورقش با اسم و کارنامه من و این

خلق آزادی خواه و حماسه آفرین رقم خورده است. پس مجهول الهویت خواندن مردمان بومی این آب و خاک از مجهول الهویت و مشکوک بودن خود آقای "مسئول" پیام میدهد. و برخلاف هویت سیاسی تیره و تار شما و مرشد تان، درپهلوی هویت درخشان ملی ام هویت انسانی و سیاسی پرافتخاری نیز دارم. مامایم محمد موسی (که رفقاییش وی را "مامد" خطاب می کردند) کارمند احصائیه مرکزی از زمره شعله ای های سابقه دار و از همزمان مجید قهرمان بود که بخاطر مبارزه اش بر ضد ارتش متجاوز شوروی محکوم به بیست سال حبس در زندان پلچرخی گردید. و ی بعد از رهائی از زندان توسط عناصر مزدور اختطاف شد و تا امروز که سی سال سپری شده، از زندگی و مرگ این مبارز خبری در دست نیست. بلی من به هویت مبارزاتی فامیلم از موضع مبارزه طبقاتی می نازم. برای شناخت من میتوانی از آن کسی که با وی نسبت خونی داری و در امریکای شمالی اقامت دارد بپرسی.

من نمی گویم در زمان تجاوز و قبل از آن تو در کجا ایستاده بودی. و تاجاییکه اطلاع دقیق دارم هویت و سابقه سیاسی مجریان و دیگر نویسندگان رزمنده و شجاع "پیام آزادی" هم مانند آفتاب روشن است. من تاجای فهم و دانش سیاسی و توانائی ام در گذشته به خلق و جنبش انقلابی کشور خود خدمت کرده ام و امید وارم که تانفس بر من باقی است به مبارزه مترقی و انقلابی ام علیه طبقات ارتجاعی و امپریالیسم و سنتریسم و هر نوع رویزیونیسم و ضد انقلاب همچنان بر ضد بی هویتی مجهول الهویت ها ادامه بدهم.

مسئول سایت "بابا" ادعای اخلاق و حرمت به کرامت انسانی میکند و "صفات" و "سجایای انسانی" خود را می ستاید و برخ همه می کشد!! پس فردی دارای چنین "خصایل نیکو"! چگونه حاضر می شود ما را "رذیل" بخواند و ده ها توهین دیگر به سطح ارادل و او باش بی هویت بر ما حواله کند؛ آیا این روش و منش خلاف حرفهای او را ثابت نمیسازد؟ که حتما! او از یکسو از عمل و پراتیک و دیالکتیک صحبت میکند و با ته و بالا انداختن دانه های منقوش لغات و مقولات و واژه های برگزیده و دست چین کرده سعی بخرچ می دهد. و با در کشیدن آنها به تار ناپخته ریا و ریه به جمله سازی و حکاکای مفاهیم مترقی مشغول می شود و خودش را "محقق با حوصله" و "کاوشگر برده بار" و پرورش یافته دامن مهر گستر ادب و نزاکت و آموزش و پرورش و فرهنگ قشر بالایی جامعه و نمود می سازد؛ و از جانب دیگر دو باره نظرات با هزار خون جگر تدوین شده اشرا (درست مانند مقاطعه کاران متقلب و تیکه داران اعمار تعمیرات) به بسیار سادگی رد کرده و به سحر و جادو و آیده آلیزم پناه می برد. و نماز خواندن و روزه گرفتن

" انسان " پرمدها و بگفته ریاکارانه خودش "عضو سازمان جوانان مترقی " را امر شخصی وانمود می سازد (یکصد علامت سوالیه).

من از فرستنده ای نامه به زعم مسئول بابا ( ن.ب) احترامانه خواهش میکنم که ایشانرا چه واداشته که مارا " کودن" خوانده اند؟ اگر گفتن حقایق و افشای چهره مرتجعین و منحرفین و خاینین و ضد انقلابیون، کودنی است پس با شما سری جنگ ندارم و جوابی هم ندارم. واگر نه؛ پس شما صفت حقیقی خودرابیان کرده اید. اگر شما آقای(ن.ب) وجود خارجی دارید ومسئول سایت بابا شمارا تمسک قرارداده وبیش ازیاوه گوئیهای شما بر من و بر سایت پیام آزادی فحش ولعن گفته است؛ شما باید این قدرشهامت و جرئت اخلاقی می داشتید واز طریق خود تان مارا مورد حمله قرار می دادید! تا من و "سایت پیام آزادی" مستقیما به جواب شما می پرداختیم. شما که اینقدر جرئت اخلاقی ندارید پس چه باعث شد که از نقد سنتریسیم واپورتونیسیم توسط سایت "پیام آزادی" این قدربرانگیخته شدید ودرنامه تان به مسئول سایت " بابا"، نویسندگان سایت "پیام آزادی" را توهین کردید؟ واگر شخص واقعی شما در این داستان مسئول سایت بابا حضور ندارند وازدو حرف( ن.ب) شخص خیالی مورد بکاربرد داستان اشرا تراشیده است؛خیر و خلاص، همان حدس وگمان من درست است. که این شخصیت تخیلی تراوش ذهن بیمارمسئول سایت بابا است. واین عنصر همان است که قبلا شخصیت وخصوصیت اورا معرفی کردم و برای آینده نیز گپک های ناگفته و ناشنوده را در کنج و کنار خاطر محزون دارم .

آقای مسئول سایت "بابا"، "علمبردار" "اخلاق انسانی"! مشکوک شما میباشید که در آن ایامیکه افغانستان از هستی اش بر ضد سوسیال امپریالیسم روس و مزدوران خلق پرچم و خاد آن دفاع میکرد، شما بدون هیچگونه احساس مسئولیت میهنی فرار کردید؛ واگر این وظیفه و این دین وطنی را اجراء کرده اید بنگارید تا من بی خبر از آن با خبر شوم .شما لطفا در مورد انجام وظایف ملی ومیهنی تان بنویسید و برایم بگوئید اگر فردی وظیفه ملی اشرا اجراء نکرده باشد ودیوانه و اربا جنبش پرولتری انقلابی( م ل م) دشمنی کند، میتواند ادعای انقلابی بودن و انترناسیونالیست بودن را بنماید؟ که هرگز نه! بلی آقای مسئول سایت بابا! همه اپورتونیستها ورویزیونیستهای جهان حتی باندهای رویزیونیست جانی وقاتل وجنایتکار خلقی پرچمی و خادی های مسلمان شده وباداران روسی شان هم خودرا " انترناسیونالیست" می خواندند ومی خوانند. شما با این طرز تفکر ارتجاعی وضدانقلابی وبا این ادعای کاذب فقط خودرا مسخره می کنید. وانسان انترناسیونالیست هرگز مانند شما ومرشد شما عمل نمی کند. توگنگ صحبت میکنی و دگم می اندیشی؟ ازسنتریست حرفوی با

تمام شدت به دفاع برخاستی و ماهیت ضد انقلابی تو کاملاً روشن است. و خوش بختانه که در جریان مبارزه علیه سنتریسم و اپورتونیسم مرشدت؛ چهره اپورتونیستی و ضدانقلابی و هویت و سابقه مشکوک تو هم برملا گردید. باز هم تو برای اغفال عده ای غافل ترو بی اطلاع تراز خودت حالا میگوئی "هرکس مسئول نوشته اش میباشد و"بابا"مسئولیت در قبال هیچ نویسنده و نوشته ای را ندارد!" همچنان متذکر شده ای که تو اصراری در به چاپ رساندن نوشته " آنچه از دوست....." و نوشته ۸۰۳ صفحه ای "سمندر" را نداشتی. پس سوال پیدا میشود که چرا به دفاع از وی بر آمدی و سایت "پیام آزادی" و ما را به هتک حرمت و گفتارهای ضد کرامت انسانی متهم نمودید؟ جواب سهل است، زیرا بگونه آشکار دروغ میگوئی و در گفتار هایت شمه ای از صداقت، و جاهت، نزاکت و تربیه انقلابی دیده نمی شود. تو هم در نشر نوشته ۸۰۳ صفحه ای اصرار کرده ای و هم "انسان" را بخوبی میشناسی. مگر سایت "بابا" "کجکول ملنگی" و یا سرای کشمش فروشی است و یا سرای شهزاده که هر کس و با هر اندیشه و دین و آیین بیاید و ابراز اظهار و اندیشه و معامله و تجارت کند و برود؟ اگر چنان باشد، (که همینطور هم است) پس از شما و عملکرد های تان شکوه و گلایه ای نیست. تو اگر واقعاً یک فرد ملی و انقلابی و صادق میبودی و هویت تثبیت شده مردمی میداشتی، بین آنانیکه بر ضد دشمنان خلق و میهن می رزمند و آنانیکه خلاف آن عمل می کنند فرق قائل می شدی. پس تو انسانها را بر اساس موقعیت اجتماعی، مقام و منصب ارج میگذاری. اینکه سمندر داکتر است اما سر سخت سنتریست و اپورتونیست و مانند تو بسیار دروغ می گوید و حقیقت را پنهان می کند و بخود و راحت بودن و آرام زیستن خود و فامیل خود می اندیشد، من یک زحمتکش هستم و حقایق را بیان می کنم؛ بناً تو با وجودی که نواقص و انحرافات "سمندر" را می بینی و دولا دولا پیشش می روی و با پسوند صاحب (داکتر صاحب) مخاطبش قرار میدهی، اما نسبت به یک زحمتکش ساده چون من زنجیر پاره میکنی و با تهمت و ناروا بر من حمله می نمائی. هر خواننده اگر اندکی بخود زحمت بدهد و با کشتی جستجوگر فکرش سیری چند دقیقه ای در درون و بیرون "بحر بیکران" جملات و لغات و کلمات و بافت گل نقش و نگار نگاشته ات بکند و تحت تأثیر شوخی رنگ ها و کرشمه ها و رنگ بازی هایت در نوشته نگردد، بی گمان استنباط منطقی اش از آن این خواهد بود که داوری ات ظاهراً جنبه سلیقه ای دارد و نه انقلابی و نه ادبی!

فرضاً اگر تو یک انقلابی میبودی همان نوشته بنده را با همه کمیودی هایش به نقد میکشیدی، اشتباهاتم را با زبان ادب و اخلاق و فرهنگ انسان متمدن که ادعای داشتن اشرا همیشه

میکنی، نشانه میگرفتی و از تکرار اشتباهات برحذر میداشتی ، بدان که بر من محنت میگذشتی، زیرا از اندوختن و آموختن ( ولو از توو امثال توهم باشد ) ننگ و شرم نمی باشد. اما توبه جای نقد کشیدن ، بی مهابا محکوم نمودی و آنچه از داو و دشنام و توهین بود بر من وسایت "پیام آزادی" حواله کردی که گویا به سرور تان ( که طی سالیان دراز به خاطر پخته کردن "یاسین شریف " به چله نشست ، تا در هنگام "فرار" از چنگ خاد ، دیده نشود ) بیحرمتی و بی ادبی کرده ایم . لطف نمائید و بگوئید که در کجای نوشته ام از چوکات ادب و نزاکت خارج شده ام ؟

طوریکه قبلا شرح دادم که انسانها را نسبت به خصوصیات و صفات سیاسی و اجتماعی شان مردم به آنها القابهایی میدهند ، بطور مثال گفتار و ببر و عقاب. این اختراع بنده نمیباشد که تازیانه اش را باید من بخورم. اینکه سرورت را گفتار خطاب کرده ام گناهم نمیباشد، عملکرد های نادرستش آن لقب را نصیبش کرد و چه نام بجا و با مسمای برای ایشان میباشد. بنابر آن از گفتارم پشیمان نبوده و برحقانیت نظر و موضع ام پا فشاری میکنم . هیچ جنبنده ای بنام انسان نیست که دارای اشتباه نباشد و خصوصاً آنانیکه حرکت میکنند و در راه رهائی انسان های شریف و زحمتکش از یوغ سرمایه داران و آگاه نمودن مردم از مکر و حيله قلم بدستان استفاده شده و مجهول الهویت که جز به منفعت شخصی و فامیلی به هیچ اصل اصیل مردمی و انقلابی یک پیسه ارزش قایل نیستند ، شجاعانه می رزمند ، در جریان کار و پیکار شان دچار اشتباه می شوند . مائونیستها این کمونیست های صادق درسه دهه اخیر نشان دادند که آنان مارکسیستهای واقعی اند، زیرا با افت و خیز های فراوان جنبش بین المللی کمونیستی همین حالا عملا در چند کشور جهان مبارزه مسلحانه میکنند. این حرکت مرگ اپورتونیزم و رویزیونیزم را پیام میدهد و بعد از مدت کوتاهی شاهد مرگ سنتریزم مسلکی و طرفداران راست و دروغش نیز خواهیم بود.

پس عریضه نویسی و بهم اندازی های رندانه و حرکات مشکوک و مرموز خودت که تا کنون آشکار نشده که از کدام چشمه آب میخورد ، توأم با دگم و تحجر بوده در پاپوش حرکات اکروباتیک قلم " سحر آمیز " ات ریگی از ریگستان سر زمین های داغ و سوزان وجود دارد که پای قلم ات را ادیت می کند و در نتیجه به ضد و نقیض گویی خنده آوری متوسل می شوی چنانی که خودت هم به تنهایی و در خلوت از این همه یاره سرایی هایت بخنده خواهی افتاد . هر چه دل پردرد و پر از عقده های حقارت ات می پسندد بر ما روا دار ، مگر ما را از مسیر انقلابی ما منحرف نخواهی کرد و ما با همه کمیودیها، افت و خیز ها، تهمت ها، و بر چسپ ها ، از مسیر درخشانی که برگزیده ایم رو بر نمی تابیم ، و تا رسیدن به هدف نهایی این پرپیچ و خم راه ها را

در هر گونه شرایطی خواهیم پیمود و کس و یا کسانی مثل تو را که اهلیت تجدید تربیت ندارند ، درگداب خودنگری و خود مرکز بینی ساده لوحانه تان ، همراه با رهبر تان ("سمندر") ، رها می نمایم تا بچرخید و بچرخید و باز هم بچرخد و سرانجام از سطح لجنزار رسوایی سیاسی به زیر کشیده شده در اعماق آن فرو روید . و مردم به نظاره ایستاده برای تان طلب آمرزش نمایند. آخر شما هم " انسان " هستید و مستحق "دعا" می باشید .

**مرگ بر سنتریستهای مسلکی و آنانی که با اپورتونیزم خود به امپریالیزم یاری می رسانند !**  
**شکسته باد قلم ، و مکدر و آشفته و مغشوش باد مغز علیل طرفداران مکار و بی عار و مجهول**  
**الهویت سنتریست معروف جنبش چپ ( نویسنده 803 صفحه ) !**